



22 سپتمبر 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

## چرا تاحال به صلح پایدار دست نیافته ایم؟ (به مناسبت روز جهانی صلح)

در سال 1981 ملل متحد روز 21 سپتمبر (31 سنبله) را به حیث "روز جهانی صلح" اعلام کرد و از آنوقت تاحال همه ساله از این روز در کشورهای جهان تجلیل بعمل می آید. متأسفانه کشور ما پس از کودتای منحوس ثور 1357 (اپریل 1978) تاحال به نحوی از انحاء از بی ثباتی و جنگ رنج می برد و درطول این مدت ملیونها تن کشته، زخمی، معیوب و مهاجر شده و تعداد بیشمار زنها بیوه و اطفال یتیم گردیده اند. طی این مدت طولانی هرچند در هرجا داد از صلح زده میشود، ولی صلح در سرزمین ما به شکل یک "سراب" درآمده که رسیدن به آن همه را خسته و مأیوس ساخته است. به گفته یک هموطن: «از دو سالگی تاحال که ریش سفید شده ام، عمر ما در جنگ گذشت؛ من که این حالت و این شرایط را می بینم، تصور نمیکنم که تا 20 سال دیگر در افغانستان صلح برقرار شود.»

پس از سقوط دوره مصیبت بار رژیم خلقی - پرچمی که افغانستان را بیک ویرانه مبدل کرد، کابل - یگانه شهری که از مصیبت جنگ بدور مانده بود، در دوره هجوم تنظیمها و شعله ور شدن جنگ های گروهی برسر قدرت آن شهر نیز به شهر خون و آتش تبدیل شد و در ادامه با عروج طالبان این وضع در سطح کشور بیش از پیش کسب شدت کرد. در این میان امید به صلح و برگشت به امن و ثبات پس از این همه مصیبت ها وقتی پیدا شد که امریکا و متحدینش طالبان را از قدرت راندند و کنفرانس بن در ماه دسمبر 2001 دایر گردید و اداره مؤقت تحت ریاست شخصی گمنام مثل حامد کرزی که نه از دولرداری چیزی میدانست و نه برنامه برای نجات وطن از مصیبت دیرینه داشت، زیر رهنمائی و عاملیت امریکا و متحدین آن ایجاد شد. حامد کرزی به کمک حامیان بیرونی خود توانست پس از انقضای دوره موقت، بازهم برای دوره انتقالی بقدرت باقی بماند و پس از آن نیز به حیث رئیس جمهور انتخابی برای دو دوره تا 2014 بکارش ادامه دهد. مدت دوسال است که حکومتی بنام "وحدت ملی" رویکار آمده که در آن هرچیز وجود دارد، جز وحدت ملی!

دوره 13 ساله رئیس جمهور "خودمختار" کرزی که با حمایت 42 کشور جهان و سرازیر شدن ملیاردها دالر کمک اقتصادی یک دوره "طلائی" برای نجات افغانستان از آلام و مصیبت جنگهای طولانی شمرده میشود، متأسفانه بقول معروف "دوبی تیر کر په واه واه"، طوری گذشت که نه تنها زخمهای مردم التیام نیافت، بلکه چنان زخم های تازه و عمیق دیگر بر پیکر خونبارکشور وارد شد که اکنون راه علاج آن از دست هیچکس، بشمول جامعه جهانی ساخته نیست. درقبال این میراث مصیبت بار حکومت موجود در چنان بیحالی دست و پا میزنند که گوئی رمق درتن ندارد و گاهی به این و

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالي دلېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

گاهی به آنسو مثل غریقی معروض به گرداب برای نجات دست و پا میزند و حتی اکنون در حال جنگ انداختن به دامن کسانی است که خود آنها در ایجاد مصیبت و جنگ دست بالا داشته اند.

اینکه چرا کشور با وجود شرایط مساعد طی این 15 سال اخیر نتوانست در تأمین صلح پایدار موفق شود و کشور هنوز هم در منجلا ب جنگ و بی ثباتی غرق است، سؤال است که جواب آنرا باید در همان اقدامات ناعاقبت اندیشانه روزهای اول جستجو کرد و اشتباهاتی را که اداره جارج دبلیو بوش - رئیس جمهور آنوقت امریکا در افغانستان مرتکب شد، عده ای از "جنگسالاران" اسبق را که دیگر از پا افتاده بودند، بار دیگر در تصاحب قدرت یاری رسانید.

ناگفته پیداست که این نمایش در پرده های اول و دوم شکل یک "کومیدی" را داشت و هرکس برای رسیدن به مقام و ثروت و شهرت برای خود سخت در تلاش بود، ولی در پرده های بعدی اکنون صحنه ها "تراژیدی تر" گردیده که امروز همه شاهد آن هستیم. اینکه پایان آن به کجا خواهد رسید، والله اعلم...

با این تذکر مقدماتی میخوایم به مناسبت "روز جهانی صلح" توجه را به یکی از نوشته های قبلی خود جلب دارم که برای ارائه به کنفرانس منعقد شهر "اتاوا" در کانادا تهیه شده بود. کنفرانس که از تاریخ 22 تا 23 نوامبر 2001 به اشتراک یکعده زیاد شخصیت های کانادایی و افغان برگزار شد، از این کمترین نیز قبلاً دعوت گردیده بود، تا درباره «شرایط صلح پایدار در افغانستان» مطالبی بعرض برسانم.

راجع به هدف اصلی تدویر این کنفرانس باید گفت که کنفرانس، طوریکه بعداً معلوم شد، حیثیت یک مرحله مقدماتی کنفرانس «بن» (23 نوامبر تا 5 دسمبر 2001) را داشت، بدون آنکه راجع به آن اجلاس کوچکترین تذکری داده شود، درحالیکه چند عضو اشتراک کننده متعاقب این کنفرانس عازم «بن» شدند و به حیث شخصیت های کلیدی در آن اجلاس اشتراک کردند، از جمله: داکتر محمد اسحق نادری، داکتر انوار الحق احدی و خانم فاطمه گیلانی احدی و یکی دو نفر دیگر. داکتر عمر زاخیلوال (بعداً وزیر مالیه) که آنوقت در کانادا اقامت داشت و با مراجع رسمی آن کشور همکار بود با دوسه افغان دیگر در پیشبرد امور این کنفرانس به حیث گرداننده برنامه ایفای وظیفه میکرد.

از جمله ذوات محترمی که طی دو روز (قبل از ظهر و بعد از ظهر) در این کنفرانس سخنرانی کردند، هریک پوهاند داکتر حسن کاکر، داکتر احمد شاه احمدزی (برادر داکتر اشرف غنی رئیس جمهور فعلی کشور)، داکتر روستار تره کی، داکتر انوار الحق احدی (بعداً وزیر مالیه و وزیر تجارت و صنایع)، داکتر اسحق نادری (قبلاً مشاور ارشد اقتصادی کرزی)، خانم سیما ولی، داکتر سلیم مجاز، داکتر صدیق ویره، خانم فاطمه گیلانی احدی (بعداً رئیسه عمومی سره میاشت)، داکتر کریم قیومی، خانم صفیه صدیقی، داکتر شریفه شریف و یک تعداد از شخصیت های جوان افغان بودند. همچنان داکتر عبدالصمد حامد، مصطفی ظاهر و سید اسحق گیلانی که نتوانستند شخصاً در اجلاس اشتراک نمایند، از طریق تیلیفون بیانات خود را ایراد کردند.

اکنون که روز جهانی صلح در سراسر دنیا تجلیل میشود و نیز در کابل سخن از امضای موافقتنامه صلح با حزب اسلامی حکمتیار سرزبانها است، خواستم جهت تداعی خاطر متن دری آن مقاله را پس از گذشت 15 سال به حیث یک نوشته تاریخی بار دیگر به نشر بسپارم تا اگر جلو آنهمه کج روشی ها در آنوقت گرفته میشود، رسیدن به صلح و ثبات تا کنون با این دشواریها مواجهه نمی گردید.

متأسفانه از همان مرحله اول عده ای را در راس امور قرار دادند که جز به خود و مقام و ثروت خود و وابستگان خود هیچگاه به مردم و وطن توجه نداشتند. البته باید اذعان داشت که جامعه جهانی نیز به همین منوال عمل کرد و عمداً گذاشت تا همچو شخصیت ها خود خواه و خودبین بیشتر به قدرت و ثروت برسند و کشور را غرق در فساد، ناامنی، بی ثباتی و فقر مزید سازند و کمپنی ها و شخصیت های خود شان نیز از آن بهره بردارند، چنانکه همین حالا از غارت و حیف و میل ملیونها دالرکمک در افغانستان طی چندین سال مؤسسه "سیگر" امریکائی به صراحت اعتراف میکند.

اینک متن مقاله:

داکتر سید عبدالله کاظم

22 نوامبر 2001

## شرایط صلح پایدار در افغانستان

### Conditions for sustainable Peace in Afghanistan

(متن دری مقاله همزمان با متن انگلیسی تکثیر و بهمه اعضای مجلس توزیع گردید)

#### **پیشگفتار:**

تحولات اخیر در جهان که متعاقب فاجعه المناک 11 سپتمبر 2001 در نیویارک و واشنگتن به وقع پیوست، جامعه جهانی خاصاً ایالات متحده امریکا را از حالت بی تفاوتی در قضیه افغانستان بیرون کرد. این رویداد امریکا و متحدین را مجبور کرد تا برطبق منافع ملی شان علیه تروریسم به اقدامات نظامی در افغانستان متوسل شوند که در عین زمان یک نقطه انعطاف بسیار مهم و بزرگ در تاریخ جدید افغانستان محسوب میشود. این تحول، مردم افغانستان را بعد از بیست و سه سال جنگ و بربادی نوید از فرصتی میدهد که بجای جنگ، صلح و بجای ویرانی، اعمار مجدد و بجای زجر، آرامش در کشور شان بزودی پدید خواهد آمد. خوشبختانه این کنفرانس در موقعی دائر میشود که امکانات صلح، اعمار مجدد و آرامش در افغانستان بیشتر از هر وقت دیگر متصور و عملی به نظر میرسد.

مطالب مطروحه این کنفرانس در این مرحله حساس شامل مسائل بس مهم و جدی است که باید به دقت بررسی و به اطلاع مراجع مسئول افغانی و بین المللی رسانیده شود. من شخصاً از زحمات همه کسانی که در تدویر این کنفرانس زحمت کشیده اند، بخصوص وزارت خارجه کانادا تشکر کرده و آرزو مندم تا ایشان آواز اکثریت خاموش افغانستان را که قسماً از این کنفرانس بلند میگردد، به گوش جامعه جهانی برسانند و بر آنها فشار وارد نمایند تا به نظر شخصیت های منور و مسلکی افغان که غیروابسته به گروه های متخاصم اند، وقعی گذارند و به آنها حق اشتراک در مجالس و بالوسیله در اتخاذ تصمیم بدهند. متأسفانه تا امروز این حق بیشتر به کسانی داده شده که در حلقه وابستگی های شخصی و یا گروهی خاص قرار داشته اند.

ایجاد صلح در کشوری که بیش از دو دهه با جنگ های خونین مواجه بوده یک قدم بسیار بزرگ است و هرگاه این قدم عملی شود و صلح در کشور حاکم گردد، آنوقت دوام صلح موضوع مهم دیگر است، زیرا با برهم خوردن مجدد فضای صلح، آینده افغانستان بسیار تاریک و استقرار صلح و ثبات در منطقه بسیار سؤال انگیز خواهد بود. از آنرو جستجوی شرایط و عواملی که زمینه های صلح پایدار را در افغانستان تضمین کند، یکی از وظایف مهم جامعه افغانی و جهانی میباشد.

د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

اینکه چگونه میتوان صلح را در افغانستان پایدار و مداوم ساخت و بنیاد آنرا تقویت کرد، به عواملی متعدد بستگی دارد که قسماً از ساختمان فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در داخل افغانستان ریشه میگیرد و قسماً تابع خواسته ها و علایق متضاد کشورهای منطقه میباشد. این عوامل را میتوان بطور کل به عوامل بیرونی و درونی تقسیم کرد. ولی قبل از همه میخواهم در این ارتباط به یک خصوصیت بارز جامعه افغانی اشاره کنم که در طول تاریخ چند هزار ساله کشور اغلباً منشأ اصلی بروز جنگ و کشمکش بین مردمان این سرزمین بوده است:

### **توسل به «زور» - یک پدیده تاریخی:**

افغانها بطور عموم رسیدن به هر هدف را بیشتر از طریق توسل به زور جستجو میکنند و کمتر به تدبیر و خرد. بناً بیشترین تلاش آنها دسترسی به قوت و زور فیزیکی است. در طول تاریخ پرنشیب و فراز کشور مثالهای بیشمار در دست است که بیشتر افغانها اعم از افراد عادی، بزرگان قوم و شاهان در این راستا طی طریق کرده اند. از اینجاست که «سلحشوری و جنگجویی» و «شمشیر زن و پهلوان بودن» در جامعه افغانی جز امتیاز و شهرت اجتماعی هر افغان گردیده و هر یک با داشتن آن مباحثات و افتخار میکند. دلیل اینکه چرا افغانها در میدان جنگ اغلب برنده، ولی در عرصه سیاست اغلب بازنده استند، نیز بر مبنای همین خصوصیت است که آنها به کسب علم و دانش کمتر توجه کرده و شهامت در جنگ را بالاتر از درایت در امور دانسته اند.

در عرصه سیاست و مملکت داری نیز این خصلت دیرینه هنوز پابرجاست. همین حالا هر یک از گروه های طالب قدرت سیاسی در کشور مجدانه میکوشند برای بدست آوردن قدرت فیزیکی (قدرت نظامی) به وسیله ممکن متوسل شوند و حتی حاضر اند به قبول شرایط غیر ملی و غیر اسلامی تن دهند تا حاکمیت خود را از طریق زور بر مردم تحمیل نمایند. از همین جاست که گروه های قدرت طلب در افغانستان اغلباً به خواست عناصر خود غرض بیرونی که پول و اسلحه را در اختیار آنها قرار میدهند، سرتعظیم و اطاعت فرو می آورند. تلاش هر گروه مسلح آنست تا به قدرت «یکه تاز» در کشور دست یابد و دیگران را به اطاعت و تسلیمی به خود وادار سازد. هرگاه شخص یا گروهی در افغانستان یکبار موفق به دسترسی به همچو قدرت «یکه تاز» شود، آنوقت همه مخالفان را از صحنه بیرون میکند و هیچگاه نمی گذارد که دیگران در قدرت شریک شوند. اوضاع مصیبت بار موجود در افغانستان در قدم اول حاصل همین خصلت است.

کشورهای همسایه از این خصوصیت جامعه افغانی بخصوص در مدت بیست سال گذشته شدیداً بهره برداری و سوء استفاده کرده و با حمایت یک گروه در برابر گروه دیگر به نفع خود آتش جنگ را بین افغانها بیشتر برافروخته اند. از اینجاست که قضیه افغانستان در این مدت نه تنها راه حل پیدا نکرده، بلکه هر روز مغلق تر گردیده است و چانس صلح - اگر گاهی پیش آمده، به سهولت و فوریت مورد سبوتاژ گروه های قدرت طلب و حامیان خارجی شان قرار گرفته است.

### **انگیزه های تداوم جنگ:**

صلح نمیتواند پایدار باشد، مگر آنکه انگیزه ها و علل تداوم جنگ از بین برود. علل و انگیزه های تداوم جنگ را در افغانستان که به شکل یک دایره خبیثه یا شیطانی Vicious Circle حرکت میکند، بطور عموم میتوان به دو کتگوری تقسیم کرد: یکی علل بیرونی که از خارج افغانستان به داخل نفوذ

کرده و موجب عدم استقرار و برخورد در داخل کشور میگردند و دیگر علل دورنی که از ساختمان سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قومی افغانستان ریشه میگیرند و توأم با تحریکات خارجی آتش جنگ بین گروه های مختلف قدرت طلب را شعله ور می سازند. این عوامل عبارت اند از:

### **اول - عوامل بیرونی (خارجی):**

عوامل و انگیزه های بیرونی جنگ در افغانستان را میتوان زیر عنوان عوامل در ساحه خصوصی (غیردولتی) و عوامل در ساحه رسمی (دولتی) بررسی کرد:

**الف - عوامل خصوص (غیردولتی):** عبارت از مجموعه علایق فعال آن عناصری غیردولتی خارجی است که بقا و ثبات خود را در بی ثباتی، تداوم جنگ و فقدان یک حکومت ملی و قانونی در افغانستان می بینند. این عناصر مشتمل اند بر:

- 1 - گروه های تروریستی و افراط گرایان اسلامی مربوط سازمان القاعده،
- 2 - پیروان احزاب اسلامی پاکستان،
- 3 - مافیای قاچاق مواد مخدر،
- 4 - مافیای قاچاق امنه تجارتي.

**ب - عوامل رسمی (دولتی):** در اینجا منظور همانا موجودیت سیاست های رقابت آمیز و اغلباً متناقض کشورهای منطقه و فرا منطقه است که یکی بر عیله دیگر خواهان نفوذ و برآوردن منافع ملی کشورهای شان در افغانستان میباشند. به وضاحت دیده میشود که از سالها بدینسو حکومت پاکستان و ایران روی منافع خود در افغانستان به رقابت پرداخته و هر دو کوشیده اند، بین گروه های قدرت طلب افغان نفوذ کنند و به وسیله امداد نظامی و مالی خویش جنگ و برخورد را در افغانستان تشدید نمایند. همین حالا که سخن از صلح است، مقامات پاکستانی به مخالفت با جبهه شمال کارت قومی را در افغانستان بنام حمایت از پشتونها بازی میکند و عربستان سعودی بر علاوه تلاش برای پخش مذهب وهابی، میخواهد مخالفین خود را در افغانستان مصروف جنگ نگهدارد، در حالیکه ایران، روسیه و هند از جبهه شمال مجدانه حمایت مینمایند. اکنون کشورهای ترکیه بعضی از کشورهای آسیای مرکزی را با شعار «پان ترکیزم» شامل این بازی چند جانبه ساخته و با حمله نظامی امریکا بر افغانستان پای امریکا نیز مستقیماً در این عرصه دخیل گردیده است. کشمکش و تضاد های ناشی از این علایق متفاوت و رقابت آمیز بخصوص بین کشورهای منطقه، بذات خود یکی از عمده ترین عوامل ادامه جنگ و برخورد ها در افغانستان میباشد.

### **دوم - عوامل درونی (داخلی):**

عوامل درونی عواملی اند که در داخل افغانستان موجب جنگ، برخورد و عدم استقرار میگردند و بطور مختصر عبارت اند از:

**1 - گروه های قدرت طلب مسلح و درگیر جنگ** که اکنون به دودسته تقسیم شده اند: یکی طالبان و دیگر جبهه متحد شمال. باآنکه سیطره طالبان در افغانستان اکنون در حال فروپاشی است، ولی نباید برگشت بعدی آنها را در ممارست و همکاری با جریانهای افراطی اسلامی مربوط به تنظیم های جهادی سابق و حمایت عناصر بیرونی آنها نادیده گرفت.

**2 - قوماندانهای محلی و ملیشه های ایشان** که به اساس پیوندهای قومی، زبانی و مذهبی و هم به اساس توقعات مالی و کسب امتیازات شخصی به یکی از جناح های درگیر وابسته بوده و عندالاقضاء موقف حمایتی خود را از یک جناح به جناح دیگر تغییر میدهند و بدینوسیله با برهم زدن توازن قدرت، بر تداوم جنگ می افزایند. این قوماندانها منفعت خود را مثل بعضی عناصر بیرونی در ادامه جنگ و برخورد در افغانستان دیده ، صلح و موجودیت یک حکومت قوی ملی را به زیان خود می پندارند.

**3 - بیکاری و فقر روبه تزايد** یک عامل بسیار اساسی جنگ است که یکعهده مردم را برای امرار معاش و تأمین معیشت به سوی خود می کشاند و در خدمت جناح های جنگی رقیب قرار میدهد.

**4 - فقدان یک حکومت متکی به قانون و نبودن امنیت و مصئونیت** موجب میشود تا انارشی و لجام گسیختگی درکشور اوج گیرد و گروه های خرابکار محلی از طریق توسل به اسلحه و فشار دست به چپاول و تعرض به حقوق مردم زنند و در نتیجه با ایجاد یک فضای مختنق بر گسترش نائره جنگ بیفزایند.

**5 - حاکمیت «فرهنگ جنگ»** که در طول دودهه ذهنیت مردم را چنان با خشونت و ستیز آغشته و مسموم کرده که حتی دریک اختلاف نظر جزئی و کوچک، آنها دست به اسلحه می برند و یکدیگر را می کشند. نسلی که در جنگ به دنیا آمده، در جنگ بزرگ شده و از راه جنگ تغذیه کرده است، دیگر از معیارها و ارزشهای صلح بیگانه شده است. آنها تحمل، تفاهم، از خودگذری و قانون را نمی شناسند و به حقوق دیگران احترام نمی گذارند، تا برای استقرار صلح به اسلوب صلح پایند باشند.

**6 - گروه های جنگی برای اینکه مردم را علیه یکدیگر در جنگ بسیج کنند،** از حساسیت های قومی، زبانی و مذهبی بین اقوام و اقشار مختلف جامعه افغانی استفاده کرده و این آتش را هنوز هم دامن میزنند. متأسفانه این روش که با آغاز تهاجم شوروی در سالهای 80 رویدست گرفته شد، امروز به سرعت در حال پیشرفت میباشد. در شرایط موجود این اختلافات یکی از عمده ترین انگیزه های دوام جنگ را در افغانستان تشکیل میدهد. اکنون به وضاحت دیده میشود که رقابت بین پشتون ها و غیرپشتون ها روبه گسترش بوده و نزدیک است افغانستان را به دو زون قومی متخاصم از هم مجزا سازد.

**7 - وفور مدعیان قدرت،** انگیزه دیگر تداوم جنگ در افغانستان است. رؤسای تنظیمهای هفتگانه و هشتگانه جهادی و احزاب و گروههای مختلف دیگر همه در مجموع خواهان رهبری و رسیدن به قدرت در داخل کشور میباشند و هر یک میخواهد به نحوی خود و گروپ مربوطه خود را بیشتر از دیگران تبارز دهد. آنها میکوشند به توسعه سلطه نظامی خود در مناطق مربوطه بپردازند. متأسفانه اغلب اختلافات بیشتر از آنکه بر سر مسائل باشد، بر موقف های شخصی همین زعما و مدعیان قدرت متمرکز شده است که در نهایت به جنگ بین آنها می انجامد.

**8 - یکی از مهمترین عوامل اختلاف و برخورد تعبیر های متفاوت از دین مقدس اسلام** است که از سالهای جهاد بدینسو جامعه افغانی را از یکطرف به اسلام نوع «بنیادگرائی» و از طرف دیگر به اسلام «عنعنوی» تقسیم کرده است. بنیادگراها از مفهوم «اسلام خالص» به حیث یک حربه سیاسی بر علیه اسلام عنعنوی استفاده کرده «ملتگراهای مسلمان» را عناصر «سیکولر» خطاب کرده و

افکار آنها را تا سرحد «کفر و الحاد» به مردم عادی معرفی میدارند. ترس از آنست که این توجیه در آینده منشأ بزرگ برخورد و حتی جنگ در افغانستان گردد.

## **صلح پایدار:**

صلح پایدار وقتی در کشور تأمین میگردد که عوامل و انگیزه های جنگ و برخورد ، آنچه فوقاً تذکار یافت، کاملاً از بین بروند. سؤال عمده اینست که چگونه میتوان این انگیزه ها و عوامل را از بین برد و پایه های صلح و ثبات را در افغانستان مستحکم ساخت؟ آنچه مسلم است اینکه افغانها در اثر دو دهه جنگ این توانائی را از دست داده اند تا موانع و مشکلات متعدد فوق را به تنهایی از سر راه خود بردارند. آنها به حمایت دوامدار و جدی جامعه جهانی نیاز دارند. بدون حمایت و اشتراک فعالانه و دوامدار بین المللی، حل معضله افغانستان دشوار و حتی ناممکن است. توقع مردم افغانستان در همچو لحظه خطیر آنست تا جامعه بین المللی نقش جدی در امحای موانع داخلی و خارجی که سد راه صلح پایدار در افغانستان است، بازی کند و اقدامات عاجل و فوری را در ساحات ذیل رویدست گیرد:

### **اول - در رابطه با عوامل بیرونی:**

1 - خروج کامل قوت‌های ملیشائی و افراطی خارجی اعم از گروه نام نهاد «افغانهای عرب»، پاکستانی ها و سائر ملیت ها از افغانستان و انحلال قطعی سازمان های مربوطه، طوریکه آنها نتوانند به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در افغانستان دوباره نفوذ کنند،

2 - منع کامل زرع خاشخاش در افغانستان تا بدانوسيله دست مافیای مواد مخدر از مسائل داخلی کشور کوتاه گردد و افغانستان به کولمبیای دوم مبدل نگردد،

3 - عقد قراردادهای تجارتي با کشورهای همسایه بروفق منافع ملی و منظفوی تا نفوذ مافیای قاچاق مواد تجارتي در ایجاد بی ثباتی در افغانستان قطع شود،

4 - جلوگیری از نفوذ مستقیم و غیرمستقیم مدارس و احزاب اسلامی پاکستان و مؤسسات مذهبی ایران که مغایر با مصالح عالیای افغانستان باشد،

5 - در رابطه با سیاستهای خارجی کشورهای علاقمند باید گفت: تازمانیکه حسن تفاهم بین کشورهای رقیب در امور افغانستان به وجود نیاید و آنها از مداخلات خود در امور افغانستان دست نگیرند، بسیار مشکل و حتی ناممکن خواهد بود که به یک صلح پایدار در افغانستان دست یافت، زیرا هر یک از کشورها برای خود اجندای مخصوص در افغانستان دارند و برای نیل به خواستهای خود از طریق گروه های وابسته به خود در تشدید اختلاف و بهره برداری اوضاع از جمله تحریک به جنگ و برهم زدن حالت صلح و ثبات در افغانستان تشبث خواهند کرد.

چشم امید همه اکنون به نقش ملل متحد و هم ایالات متحده امریکا و بعضی کشورهای دوست افغانستان دوخته شده است تا از طریق فشار های جدی بین المللی، کشورهای همسایه را مجبور سازند در راه حفظ صلح و ثبات در افغانستان بطور صادقانه در زبان و عمل متعهد و پابند باشند. دراین موقع حساس که امنیت جهان از طریق عملیات تروریستی به مخاطره افتاده، لازم است تا

کنفرانس کشورهای 2+6 و کنفرانس کشورهای 5+5 همچنان کنفرانس کشورهای اسلامی و اخیراً گروه 21 کشور جهان زیر نظر شورای امنیت ملل متحد در راه رفع موانع فوق اقدام نمایند.

## **دوم - در رابطه با عوامل درونی :**

صلح پایدار مستلزم اقدامات در ساحات ذیل در افغانستان میباشد:

**1 - خلع سلاح کامل تمام قوت‌های نظامی در افغانستان** اعم از گروه های متخاصم و تمام قوماندانهای محلی،

**2 - کنترل جدی انتقالات پولی و تسلیحاتی** برای گروه های داخلی وابسته به بیرون افغانستان،

**3 - ایجاد یک حکومت مقتدر مرکزی با رعایت نقش مردم** در انتخاب مؤسسات مختلف شهری و سازمانهای مشورتی محل. متأسفانه امروز دیده میشود که در اثر حملات هوایی امریکا، اگر یک گروه نامطلوب در حال از بین رفتن است، گروه نامطلوب دیگر که موجبات تباهی کشور را در ده سال اخیر فراهم کرده است، بار دیگر به قدرت دست می یابد و حاصل اقدامات جاری را در جهت تأمین صلح پایدار در افغانستان بهدر میدهد. پیشرفت قوای جبهه شمال در افغانستان و احیای نظام فاسد «قوماندان سالاری» یک برگشت خطرناک به سالهای 1992 است که بوی خصومت و خون از آن به مشام میرسد. (چگونگی ایجاد یک حکومت مقتدر ملی در مباحث دیگر این کنفرانس مورد بررسی قرار خواهد گرفت)

**4 - ایجاد مسئولیت و امنیت در زندگی روزمره،** البته نخست از طریق فراخواندن قوای صلح ملل متحد و متعاقباً تشکیل یک قوای منظم امنیتی ملی. در این ارتباط قابل ذکر است که یک عده از قوماندانهای محلی که بار دیگر در این روزها به قدرت دست یافته اند، به منظور حفظ قدرت و سلاح خود با موجودیت قوای صلح ملل متحد در افغانستان مخالفت میکنند، درحالیکه تأمین صلح پایدار در کشور در قدم اول فقط به کمک قوای حافظ صلح ملل متحد و نظارت کامل و نسبتاً دوامدار جامعه جهانی میسر است و بس.

**5 - فعال ساختن فوری مؤسسات تعلیم و تربیه، بخصوص در جهت مبارزه علیه «فرهنگ جنگ» و** تدویر پروگرامهای خاص برای ارشاد مردم به منظور احیای مجدد ارزشهای صلح و احترام به حقوق یکدیگر،

**6 - رویدست گرفتن فوری و عاجل پروژه های اعمار مجدد و فعال ساختن چرخ های خودگردان** اقتصاد کشور، تا مردم به کار و مشغولیت متمر و مؤلد جلب گردند و نان خود را از راه کار بدست آورند، نه از راه جنگ،

**7 - فراخواندن مهاجرین افغان از بیرون و پروگرام اسکان مجدد آنها** به دهات و قرأ مربوطه و فراهم آوری تسهیلات رهایشی و وسائل مورد ضرورت به منظور تقویه بنیه خود کفائی کشور در ساحه زراعت،

**8 - جلب و جذب شخصیت های مسلکی افغان از اطراف و اکناف جهان،**

د پانو شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ



9 - تثبیت یک نظام حقوقی متکی به شریعت و قانون و احترام به حقوق طبیعی انسان با رعایت نورم های بین المللی. این یک وظیفه دشوار ولی بسیار ضروری است تا بدانوسیله از استفاده های سیاسی از دین مقدس اسلام برای مقاصد سیاسی جلوگیری گردد.

درخاتمه میخوامم گفتار خود را به یک جمله خلاصه سازم: باتوکل به خدای بزرگ، به آمدن صلح در افغانستان امیدوار هستم، ولی در پایداری آن نگران، مگر آنکه اقدامات فوق با دقت و پیگیری لازم از طرف جامعه جهانی و اشتراک همگانی افغانها بخصوص طبقات منور و خدمتگار کشور باصداقت و تحمل درچارچوب یک پلان منظم قدم بقدم به منصفه اجرا گذاشته شوند. از توجه شما ممنونم .

(پایان مقاله - مورخ 24 نوامبر 2001)

خواننده عزیز!

طوریکه در مقاله تذکار یافت، صلح پایدار وقتی در کشور تأمین میگردد که عوامل و انگیزه های جنگ و برخورد کاملاً از بین بروند و برای اینکار لازم بود از همان آغاز اقدامات جدی در برابر عوامل بازدارنده صلح در ساحه خارجی و داخلی رویدست گرفته میشد. متأسفانه در این 15 سال به نکات فوق الذکر از جانب دولت و نیز جامعه جهانی توجه جدی مبذول نگردید و دست های همه باز گذاشته شدند تا امور برطبق مصلحت های شخصی بدون درک مسئولیت های بعدی فقط بقسم "روزگذرانی" پیش بروند. واضح است که نتیجه این اهمال و اغماض اولیای امور، حالا به شکل "یوم البدر" درحال تبارز است و عاملان اصلی فاجعه اکنون به "غندی خیر" نشسته و میکوشند به حیث گویا "اپوزسیون" با زبان دراز سخن گویند و دست انتقاد بسوی دیگران دراز کنند و این تراژیدی دوامدار را به پای ناتوان و مواجه با صد مشکل حکومت موجود ختم کنند. (پایان)

د پانو شمیره: له 9 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ